



مصاحبه اختصاصی
سازمان دفاع از قربانیان خشونت
با خانم آنا دوهان، گزارشگر ویژه
سازمان ملل در حوزه تحریم

تحریم‌های یک‌جانبه **تبعات منفی حقوق بشری** **وراهکارهای مقابله‌ای**

مصاحبه اختصاصی سازمان دفاع از قربانیان خشونت با خانم آلنا دوهان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در حوزه تحریم

تحریم‌های یک‌جانبه؛ تبعات منفی حقوق بشری و راهکارهای مقابله‌ای

درآمد

متن حاضر، مصاحبه مفصل یک‌ساعته و ویدئویی سازمان دفاع از قربانیان خشونت با پروفسور آلنا دوهان، گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل در زمینه تحریم در دی‌ماه ۱۴۰۰ است. مرور دقیق این مصاحبه، نکات ارزشمند بسیاری را فراروی کارشناسان، دانشگاهیان، دیپلمات‌ها و تصمیم‌سازان کشور در حوزه مبارزه با تحریم‌های ظالمانه آمریکا قرار می‌دهد.

گفتنی است این مصاحبه در بستر فعالیت‌های پژوهشی و ارتباطی متعدد سازمان دفاع از قربانیان خشونت در زمینه تقابل با تحریم‌های یک‌جانبه علیه شهروندان کشورمان و کمک به تولید ادبیات کمی و کیفی بهتر در این زمینه و همچنین آگاهی‌بخشی نهادها و تصمیم‌گیران بین‌المللی از تبعات منفی تحریم بر بهره‌مندی شهروندان دولت‌های تحت تحریم از حقوق اولیه و مسلم بشر قرار می‌گیرد. با ذکر این توصیفات، متن کامل این مصاحبه به شرح زیر تنظیم و ارائه می‌گردد:

پرسش: اجازه بدهید گفتگوی خود را با مباحثه در زمینه بیانیه عمومی که جناب‌عالی به همراه ۵ کارشناس عالی‌رتبه دیگر سازمان ملل، در ماه اکتبر سال ۲۰۲۱ میلادی، در رابطه با فرایابندی^۱ کشورها و نهادهای تجاری به تحریم‌های ایالات متحده علیه ایران و پیامدهای حقوق بشری آن، منتشر نمودید، آغاز کنیم. آیا می‌توان گفت که این حقیقت که شرکت‌های تجاری در برخی از کشورها به

دلیل هراس از مجازات‌های احتمالی، از هر گونه تعامل با ایران صرف‌نظر می‌کنند، حاکی از تأثیر سیاسی و اقتصادی گسترده ایالات متحده بر متحدان خود است و یا گواهی بر وجود شکاف‌هایی در اجرای حقوق بین‌الملل و قانون بین‌المللی بشر دوستانه؟

پاسخ: در واقع می‌توان گفت که معضل فراپابندی (به تحریم) امروزه یکی از مسائل بسیار مهم و حتی متأسفانه یکی از معضلات بسیار پرمخاطره در عرصه کاربرد تحریم یک‌جانبه از سوی کشورهای مختلف در سراسر جهان است و مقصود من در این جا تنها تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه و فراپابندی به این تحریم‌ها بر ایران نیست، بلکه این یک معضل عمومی است که شماری از مردم سراسر جهان را تحت تأثیر خود قرار داده است.

متأسفانه، در حال حاضر، تعداد تحریم‌های

یک‌جانبه اعمال شده از سوی کشورهای مختلف به طور گسترده‌ای در حال افزایش است که این افزایش را به سهولت می‌توان هم در تعداد و هم در انواع این تحریم‌ها مشاهده کرد. از این رو می‌توان گفت که شناسایی رژیم تحریم که از سوی یک کشور یا کشورهای دیگر بر کشور، فرد یا وضعیتی خاص اعمال می‌شوند، در اغلب موارد برای کسب و کارهای تجاری امری بسیار پیچیده هستند و در نتیجه نهادهای تجاری از هر گونه فعالیت بازرگانی و همچنین بانک‌ها

از هر گونه نقل و انتقال مالی هراس دارند و به همین دلیل است که تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه به طور گسترده‌ای رو به وخامت می‌نهد - تحریم‌هایی که به خودی خود از نگاه حقوق بین‌الملل بسیار ابهام‌آمیز به شمار می‌آیند؛

به عبارت دیگر می‌توان گفت که هنگامی که صحبت از فراپابندی (به تحریم) می‌شود، باید در نظر داشته باشیم که این امر به دلایل مختلفی به وقوع می‌پیوندد که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: کثرت و چندگانگی رژیم تحریم، اعمال تحریم‌های ثانویه در قبال شهروندان کشورهای سوم به دلیل دور زدن تحریم یا تلقی کشورها از دور زده شدن آن‌ها و اعمال مجازات‌های مدنی و کیفری در قبال ملت‌ها و شهروندان کشور سوم به دلیل دور زدن رژیم تحریم که در این شرایط جریمه‌ها

وقتی صحبت از فراپابندی به میان می‌آید، عمدتاً مقصود وضعیت‌هایی است که در آن نقل و انتقال‌های بانکی جایز نبوده و یا شرکت‌ها در همکاری‌های تجاری مشارکت نمی‌کنند، حتی چنانچه این شرکت‌ها یا افراد به عنوان نهادها یا اشخاص تحت تحریم تعیین نشده باشند



می‌توانند به شدت غیرمنطقی باشند - مانند مورد بانک پی.ان.بی.پاری با^۲ که به میزان ۹ میلیارد دلار آمریکا جریمه شد و برخی بانک‌های دیگر که به میزان ۸۰ میلیون دلار یا ۵۰ میلیون دلار آمریکا جریمه شدند. بنابراین این جریمه‌ها می‌توانند به ورشکستگی بسیاری از بانک‌ها بیانجامند. از این رو، بانک‌ها ترجیح می‌دهند که از هر گونه تعامل با شرکت‌ها یا شهروندان کشورهایی که تحت تحریم قرار دارند، اجتناب ورزند.

از این رو وقتی صحبت از فراپایبندی به میان می‌آید، عمدتاً مقصود وضعیت‌هایی است که در آن نقل و انتقال‌های بانکی جایز نبوده و یا شرکت‌ها در همکاری‌های تجاری مشارکت نمی‌کنند، حتی چنانچه این شرکت‌ها یا افراد به عنوان نهادها یا اشخاص تحت تحریم تعیین نشده باشند. از این رو، نتیجه این می‌شود که پیامدهای تحریم بدون آن که افراد و شرکت‌ها، تحت تحریم واقعی قرار گیرند، آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

هنگامی که با برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در ارائه کمک‌های بشردوستانه صحبت می‌کنم، آن‌ها پیشاپیش از این امر شکایت دارند که تأثیر فراپایبندی به تحریم، یا آن گونه که آن‌ها می‌گویند «هراس از تحریم»^۳، بسیار بیشتر از خود تحریم است. بنابراین واقعیت این است که به دلیل این فراپایبندی، تمامی شهروندان یک کشور از انجام معاملات تجاری بازمی‌مانند و افراد و شرکت‌ها نمی‌توانند ساده‌ترین نقل و انتقال‌های بانکی را به ثمر برسانند، بلیط بخرند، شهری به دانشگاه‌ها را بپردازند و یا

تجهیزات پزشکی خریداری کنند - که این یکی از اضطراری‌ترین ارکان این موضوع است. از این رو، حقوق تمامی مردم یک کشور، همچون کل آن کشور تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

پرسش: در این صورت، حقوق بین‌الملل و قانون بین‌المللی بشردوستانه، در این میان از چه جایگاهی برخوردارند؟ آیا مبنایی برای تبیین فرآپایبندی به عنوان عاملی غیرضروری، زائد یا نیازمند اصلاح وجود دارد یا این که ما در قبال کشورها یا کسب و کارهایی که از معاملات تجاری، از جمله تجارت بشردوستانه با کشورهای تحت تحریم اجتناب می‌ورزند، با خلاء قانونی مواجه هستیم؟

پاسخ: متأسفانه باید گفت که جایگاه ما در این زمینه بسیار شکننده است، چرا که این معضل تا کنون در پژوهش‌های حقوقی دقیق مطرح

نشده و تنها اقدامات بسیار پراکنده‌ای در این

رابطه انجام پذیرفته است. معتقدم که بیانیه

مطبوعاتی من یکی از نخستین مواردی به

شمار می‌آید که به موضوع اعمال فرآپایبندی و

همچنین تحریم‌های ثانویه پرداخته است، چرا

که به طور معمول تنها قانونی یا غیرقانونی

بودن تحریم مورد مباحثه قرار می‌گیرد. در

اینجا، به طور مثال، به بازدید اخیر خود از

کشور زیمبابوه اشاره می‌کنم که در خصوص

آن، کشورهای تحریم‌کننده به این حقیقت

اشاره می‌کنند که فهرست افراد و شرکت‌هایی

که به طور مستقیم مشخص و مورد تحریم

قرار گرفته‌اند، بسیار کوتاه است، اما در عمل

مشاهده می‌کنیم که به دلیل موضوع فرآپایبندی، کل این کشور تحت

تأثیر قرار گرفته و به همین دلیل است که نمی‌توانم بگویم که ما در این

زمینه دقیقاً و صرفاً با خلاء قانونی مواجه هستیم.

چرا که این معضل مورد توجه لازم قرار نگرفته است. من کوشش‌های

بسیاری در زمینه جلب توجه جامعه جهانی به معضلات تحریم‌های

ثانویه و فرآپایبندی کرده‌ام، با توجه به این که این موضوع را در نشست

دوسالانه‌ای که در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۱ میلادی برگزار شد، مطرح

کرده‌ام و همچنین قصد دارم که تمرکز گزارش خود در سال ۲۰۲۲

به طور مثال، به بازدید اخیر خود از کشور زیمبابوه اشاره می‌کنم که در خصوص آن، کشورهای تحریم‌کننده به این حقیقت اشاره می‌کنند که فهرست افراد و شرکت‌هایی که به طور مستقیم مشخص و مورد تحریم قرار گرفته‌اند، بسیار کوتاه است، اما در عمل مشاهده می‌کنیم که به دلیل موضوع فرآپایبندی، کل این کشور تحت تأثیر قرار گرفته





میلادی را نیز بر معضل فراپایبندی قرار دهم. متأسفانه آنچه که امروز در این زمینه شاهد آن هستیم این است که برخی قواعد در این رابطه موجود است، اما این قواعد به اجراء در نمی آیند.

حال کمی بیشتر به شرح و بسط این موضوع می پردازم. من اقدام به ارسال مکاتباتی در رابطه با این معضل، با بانکها یا شرکت هایی که انواع خاصی از تجهیزات، به ویژه تجهیزات پزشکی را به فروش می رسانند، نمودم، آنهم با توجه به این که این تجهیزات در غالب موارد می توانند به واقع منحصر به فرد و حیات بخش باشند. پاسخ هایی که در این زمینه دریافت کردم به طور معمول متمرکز بر این نکته بودند که این شرکتها تمایل و افری به انجام معاملات اقتصادی دارند، چرا که در غیر این صورت، دچار زیان های مالی می شوند. اما از تحریم می هراسند و اظهار می دارند که این بر عهده دولت ها است که چگونه به این معضل بپردازند.

به همین منوال، هنگامی که با کشورهای تحریم کننده ارتباط برقرار می کنم، آن ها نیز اظهار می دارند که کسب و کارهای تجاری را برای فراپایبندی به این تحریم ها تحت فشار قرار نداده اند. بلکه تنها اقدامی که کرده اند این است که تحریم هایی را علیه فهرستی از افراد مشخص اعمال نموده اند و در این زمینه، مقصر خود کسب و کارها هستند. متأسفانه ما شاهد این هستیم که دولت ها و کسب و کارها هر یک مسئولیت را بر عهده دیگری می نهند و در نتیجه با معضل عظیم فراپایبندی مواجه می شویم.

نکته دومی که باید به آن اشاره کنم معضل اعمال فرامرزی^۴ تدابیر تحریمی است که به موضوع فراپایبندی می انجامد. بر اساس حقوق

بین‌المللی، اعمال فرامرزی تحریم‌های یک‌جانبه به شدت ممنوع به شمار می‌آید. در این رابطه بیانیه‌های متعددی از سوی اتحادیه اروپا انتشار یافته و با نگاه به این اسناد مشاهده خواهید کرد که این نهاد همواره بر این نکته پافشاری می‌کند که تدابیر محدودکننده آن، فرامرزی نبوده‌اند. البته می‌توان این مباحثه را به چالش کشید، اما آنچه که من بر آن تأکید دارم درک این نکته است که این موارد غیرقانونی خواهند بود.

اتحادیه اروپا از قاعده‌ای ممانعت‌برانگیز برخوردار است که قصد آن حمایت از کسب و کارهای این اتحادیه در قبال اعمال فرامرزی تحریم‌های دیگر کشورها است؛ بنابراین ما به لحاظ نظری، از یک قاعده قانونی برخورداریم و غیرقانونی بودن اعمال فرامرزی تحریم بر اساس حقوق بین‌الملل را نیز به رسمیت می‌شناسیم، اما این امر به زودی تحقق نمی‌یابد و این یکی از معضلاتی است که باید در نظر داشته و به آن بپردازیم.

موضوع دیگری که تا کنون به تفصیل به آن پرداخته نشده، تعهدات دولت‌ها و کسب و کارها در حیطه مقررات ارزیابی بایسته^۵ است. سازمان ملل توجه زیادی را بر معضل همکاری و هماهنگی میان کسب و کارها و حقوق بشر و رفتار مسئولانه کسب و کارها در قبال حقوق بشر مبذول داشته است، که در این میان می‌توان به تشکیل کارگروه کسب و کار و حقوق بشر و همچنین انتشار «اصول راهنما در زمینه کسب و کار و حقوق بشر» اشاره کرد. بر اساس این اصول راهنما، هم دولت‌ها و هم

کسب و کارها باید در اجرای کامل‌ترین شکل اصول ارزیابی بایسته در صدد تضمین این امر باشند که فعالیت تحت حیطه اختیارات و تسلط دولت‌ها، از جمله مواردی که توسط شرکت‌های تجاری و بانک‌ها انجام می‌پذیرد و همچنین فعالیت‌های خود شرکت‌ها در تناقض با حقوق بشر نباشد. آنچه که امروز در رابطه با اعمال تحریم‌های ثانویه و فراپایبندی شاهد آن هستیم نقض فاحش مقررات ارزیابی بایسته در این زمینه است.

تا به اینجا، تنها می‌توانم درباره این عوامل صحبت کنم. اما قصدم این است که به هنگام آماده کردن گزارش خود برای مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۲ میلادی، به تفصیل به آن‌ها بپردازم و باید بگویم که در حال حاضر از تمامی کشورها و تمامی نهادهای دانشگاهی، بانک‌ها و

به لحاظ نظری، تمامی و یا تقریباً تمامی رژیم تحریم امکان اقدام بشردوستانه و معافیت‌های بشردوستانه را فراهم می‌آورند. اما متأسفانه در عمل، هنگامی که با سازمان‌های بشردوستانه فعال در زمینه ارائه کمک‌های بشردوستانه تعامل می‌کنم، آن‌ها به مشکلات عظیمی در زمینه دریافت مجوزهای بشردوستانه و مواجهه با مشکلات گسترده در خصوص حتی امکان اعمال این مجوزها در صورت دستیابی به آن‌ها اشاره می‌کنند

تمامی کسب و کارها و سازمان‌های مردم‌نهاد خواسته‌ام که در این زمینه مشارکت و پاسخ خود را ارسال نمایند.

پرسش: شما به اصول راهنمای سازمان ملل در زمینه کسب و کارها و حقوق بشر اشاره نمودید. این اصول شرکت‌ها را متعهد می‌کند که از اقداماتی که متناقض با حقوق مردم و جوامع هستند، اجتناب ورزند. اما اقدام یک کمپانی سوئدی به امتناع از فروش پانسمن‌های حیات‌بخش به ایران برای درمان بیماران پروانه‌ای، گواهی آشکار بر وقوع نقض حقوق بشر است. بنا بر گزارش‌ها، در سال ۲۰۲۰

میلادی، دست کم ۱۵ کودک مبتلاء به بیماری پروانه‌ای در ایران، به دلیل عدم دسترسی به این پانسمن‌های حفاظتی جان خود را از دست دادند. آیا معتقدید که راهکاری حقوقی برای ممانعت از وقوع این موارد نقض وجود دارد؟ آیا تا کنون موفق به برقراری تماس با دولت سوئد یا آن شرکت سوئدی مورد نظر، به منظور درخواست جهت تغییر این سیاست شده‌اید؟

L حتی آن دسته از سازمان‌هایی که موفق به دریافت مجوزهای بشردوستانه برای نقل و انتقال دارو یا کمک‌های بشردوستانه می‌شوند، همچنان به وجود معضلات گسترده در زمینه تلاش برای به اجراء گذاردن این مجوزها اشاره می‌کنند، چرا که بانک‌ها و شرکت‌های تجاری از ارائه خدمات به آن‌ها هراس دارند. شرکت‌های حمل و نقل از انجام نقل و انتقال‌ها هراس داشته و بانک‌ها نیز تمایلی به انجام مبادلات مالی ندارند، حتی چنانچه مجوزها را دیده باشند.

پاسخ: از نگاه من، این دقیقاً همان موضوعی است که تا کنون در رابطه با اعمال ارزیابی بایسته، هم از جانب این شرکت و هم از سوی دولت سوئد، در خصوص آن به مباحثه پرداختیم. هنگامی که این اطلاعات را دریافت نمودم، آن‌ها را با این شرکت و دولت سوئد در میان گذاشتم و در حال حاضر، همچنان در انتظار دریافت پاسخ از جانب آن‌ها هستم. مطابق با مقررات سازمان ملل تمامی ارتباطات و هر گونه پاسخ دریافتی در این زمینه در یک محدوده زمانی ۶۰ روزه از هنگامی که این ارتباط انجام پذیرفته است، در فضای مجازی انتشار می‌یابد. بنابراین بسیار امید دارم که با توضیحات من در این مکاتبات، تغییری به وقوع بپیوندد.

پرسش: در ادامه باید بگویم که وزارت خزانهداری ایالات متحده به صراحت تأکید نموده که تجارت بشردوستانه، از جمله مبادلات مربوط به صادرات مواد غذایی، محصولات کشاورزی، دارو و تجهیزات پزشکی به ایران، برای افراد آمریکایی و غیر آمریکایی مجاز به شمار آمده و در صورت وجود هر گونه ابهام، دریافت مجوزهای معافیتی از دفتر نظارت بر دارایی‌های خارجی امکان‌پذیر است. اما بانک‌های بین‌المللی آشکارا تمایلی به انجام مبادلات مزبور نداشته و شرکت‌های تجاری نیز این مبادلات را به شدت هزینه‌بر می‌دانند. در چنین شرایطی، ایران چه گزینه‌هایی جهت برآورده ساختن نیازهای حیاتی خود در زمینه تجارت بشردوستانه در اختیار دارد و در این میان نهادهایی، چون سازمان ملل و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر در راستای کاهش این پیچیدگی‌ها چه تدابیری می‌توانند اتخاذ کنند؟

پاسخ: در واقع باید اذعان داشت که امروزه ارائه کمک‌های بشردوستانه و همچنین موجودیت معافیت‌های بشردوستانه یکی از عظیم‌ترین معضلات

در زمینه اعمال رژیم‌های تحریم به شمار می‌آید. به لحاظ نظری، تمامی و یا تقریباً تمامی رژیم تحریم امکان اقدام بشردوستانه و معافیت‌های بشردوستانه را فراهم می‌آورند. اما متأسفانه در عمل، هنگامی که با سازمان‌های بشردوستانه فعال در زمینه ارائه کمک‌های بشردوستانه تعامل می‌کنم، آن‌ها به مشکلات عظیمی در زمینه دریافت مجوزهای بشردوستانه و مواجهه با مشکلات گسترده در خصوص حتی امکان اعمال این مجوزها در صورت دستیابی به آن‌ها اشاره می‌کنند.

نخست آن که، بر اساس اظهارات این سازمان‌ها فرآیند کاربرد این مجوزها بسیار دیوان‌سالارانه بوده و تنها سازمان‌های بسیار بزرگ که از کارکنان آموزش دیده در زمینه‌های حقوقی برخوردارند، قادر به اجرای

آن هستند. علاوه بر این، دریافت مجوزهای بشردوستانه، در اغلب موارد، بسیار هزینه‌بر است. معضل سومی که سازمان‌های بشردوستانه همواره

من بسیار مشتاق فرارسیدن زمانی هستم که افراد خاص اقدام به ارجاع شکایت‌های فردی خود به نهادهای معاهداتی سازمان ملل کنند، چرا که در آن صورت می‌توانیم آشکارا درباره نقض منع تبعیض، نقض حقوق زنان، نقض حقوق کودکان، نقض حقوق بنیادین بشر، از جمله حقوق مدنی و به طور مثال، نقض حق بر حیات، هنگامی که داروهای حیات بخش در دسترس نیستند یا نقض حقوق اجتماعی و کارگری مطابق با کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صحبت کنیم



با آن مواجه بوده‌اند، این حقیقت است که حتی چنانچه آن‌ها موفق به دریافت مجوز شوند، این مجوزها از گستره پوششی محدود برخوردار بوده و تنها شامل نیازهای حیات‌بخش واقعاً بشردوستانه شده و کالاهایی فراتر از دارو یا نیازهای حداقلی غذایی را پوشش نمی‌دهند.

اما همانطور که می‌دانیم، چنانچه کشوری از توانایی لازم جهت حمایت از سطح معمول کارکرد نهادهای سلامت، یا به عنوان مثال، سطح معمول کارکرد تأسیسات تأمین آب تمیز برخوردار نباشد، با موقعیت‌های تهدیدآمیز حیاتی نیز مواجه خواهد شد و حمایت از پروژه‌های این چنینی بر اساس مجوزهای بشردوستانه مجاز نبوده، چرا که اکثر سازمان‌های مردم‌نهاد قادر به دستیابی به آن نیستند.

اما حتی آن دسته از سازمان‌هایی که موفق به دریافت مجوزهای بشردوستانه برای نقل و انقال دارو یا کمک‌های بشردوستانه می‌شوند، همچنان به وجود معضلات گسترده در زمینه تلاش برای به اجراء گذاردن این مجوزها اشاره می‌کنند، چرا که بانک‌ها و شرکت‌های تجاری از ارائه خدمات به آن‌ها هراس دارند. شرکت‌های حمل و نقل از انجام نقل و انتقال‌ها هراس داشته و بانک‌ها نیز تمایلی به انجام مبادلات مالی ندارند، حتی چنانچه مجوزها را دیده باشند.

برخی از سازمان‌های بشردوستانه به این نکته اشاره می‌کنند که حساب‌های بانکی و حتی حساب‌های کارکنان‌شان، از جمله حساب‌های مربوط به دستمزدها، تنها به دلیل انجام فعالیت‌های بشردوستانه یا همکاری با کشورهایی که به نحوی تحت تحریم قرار گرفته‌اند، مکرراً

مسدود شده است.

در اینجا به شماری از این معضلات اشاره می‌کنم. نخست، معضل دریافت مجوزهای معافیت بشردوستانه، دوم، معضل اعمال مجوزهای معافیت بشردوستانه با توجه به موضوع فراپایبندی و سوم، که به نظر من معضلی بنیادین به شمار می‌آید، این است که از نگاه حقوق بین‌الملل اکثر تحریم‌های یک‌جانبه غیرقانونی هستند و ما همواره در تلاش برای رفع پیامدها تا زمینه‌های بروز این معضل بوده‌ایم _ اما این معضلی است که باید به آن پرداخته شود. نخستین چالش در این میان مداخله محدود از سوی سازمان ملل است.

شما به درستی اشاره کردید که یکی از ساز و کارهایی که می‌تواند در این شرایط به کار برده شود و به عقیده من باید به کار برده شود، سطح بالایی از مداخله نهادهای مختلف سازمان ملل در این امر است. یکی از توصیه‌های من، پس از بازدید از کشورهای مختلف، به عنوان مثال ونزوئلا و یکی از توصیه‌های من در گزارش به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل در سال جاری (۲۰۲۱)، ضرورت سطح بالایی از مداخله نهادهای سازمان ملل در ابعاد مختلف بوده است.

به عنوان نخستین توصیه، پیشنهاد کردم که تمامی آژانس‌های سازمان ملل در حیطه مسئولیت‌های خود اقدام به نظارت بر تأثیر بشردوستانه تحریم‌های یک‌جانبه نمایند و در اینجا مقصودم، به عنوان مثال، گروه‌های کشوری سازمان ملل هستند. آن‌ها در این کشورها حضور دارند، ناظر بر تحولات هستند

و به سهولت می‌توانند پیامدهای بشردوستانه را مورد مشاهده قرار دهند. همچنین مقصودم سازمان بین‌المللی کار است، چرا که حقوق کاری و اجتماعی در این میان به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرند. به علاوه، سازمان بهداشت جهانی را مد نظر دارم، چرا که حق بر سلامت نیز در اغلب موارد، به طور گسترده تأثیر می‌پذیرد و همچنین بسیاری از سازمان‌های دیگر. متأسفانه معضل تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه یا به طور کامل و یا تا حدی در گزارش‌های این سازمان مورد بی‌اعتنایی واقع شده

در رابطه با دیوان بین‌المللی دادگستری، معتقدم که در حال حاضر تنها با یک پرونده مواجه هستیم و من بسیار امیدوارم که پرونده‌های بیشتری از این دست در اختیار داشته باشیم. چرا که چنانچه شما یک پرونده را (به مجامع بین‌المللی) ارائه دهید، به سهولت می‌توانید در این رابطه گام‌های سیاسی بردارید، اما اگر ده‌ها پرونده از این دست را در اختیار داشته باشید، به سوابق گسترده‌تری دست یافته و می‌توانید فشارها از سوی داوری بین‌المللی را نیز افزایش دهید و این آن عاملی است که وضعیت را تغییر می‌دهد

است. همچنین، طبیعتاً، بر لزوم مداخله کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل و برنامه توسعه سازمان ملل در زمینه نظارت بر اجرای رژیم‌های معافیت‌های بشردوستانه و انتقال کمک‌های بشردوستانه، تأکید می‌کنم که متأسفانه امروزه امری ضروری به شمار می‌آید.

آخرین نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم، ایجاد سامانه نظارت بر تأثیر بشردوستانه تحریم‌های یک‌جانبه تحت نظارت دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل است. این ساز و کار در دهه ۱۹۹۰ میلادی و به منظور کنترل تأثیر تحریم‌های اعمال شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل ایجاد شد، توسط گروهی از سازمان‌های مردم‌نهاد بشردوستانه به اجرا در آمد و تحت نظارت دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل قرار داشت. اما متأسفانه امروزه چنین ساز و کاری وجود ندارد و ضروری است که این ساز و کار مورد استفاده قرار گرفته و امکان ضمانت عدم نقض حقوق بشر فراهم آید.

پرسش: بنابراین بر اساس اظهارات شما، می‌توان این گونه استنتاج کرد که برخی از این معافیت‌ها و مجوزهای بشردوستانه، تنها مقرراتی رسمی بدون کارایی ملموس در راستای تسهیل تجارت با کشورهای تحت تحریم و تنها تدارکات تشریفاتی روی کاغذ هستند؟

پاسخ: در کل می‌توان گفت که این معافیت‌ها و مجوزها به لحاظ حقوقی وجود داشته و باید بپذیریم که در اکثر اسناد تحریمی نیز پیش‌بینی شده‌اند، اما زمانی که سخن از اجرای عملی معافیت‌های بشردوستانه به میان می‌آید، باید بگوییم که آن‌ها ناکارآمد و بی‌تأثیر بوده و اجرایی کردنشان بسیار دشوار است.

پرسش: سال گذشته، شما در کنفرانسی مجازی، در خصوص آثار زیان‌بار تحریم‌های ایالات متحده بر توانایی ایران در راستای مدیریت بیماری همه‌گیر کووید - ۱۹ هشدار دادید. در نتیجه این تحریم‌ها که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر بخش سلامت ایران تحمیل شده، چه مواردی از حقوق بشر مورد نقض قرار گرفته‌اند و چرا کشورهای تحریم‌کننده تمایل به نادیده گرفتن این آثار دارند؟

پاسخ: هنگامی که درباره تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه بر بخش سلامت صحبت می‌کنیم، می‌توانیم بگوییم که این تأثیر بسیار گسترده و در اغلب موارد برای حیات انسان‌ها تهدیدآمیز است. بنابراین زمانی که بحث عرصه حقوق بشر به میان می‌آید، متأسفانه باید بگوییم که اجرای حیطه گسترده تحریم‌های یک‌جانبه، که بر اثر اعمال تحریم‌های ثانویه و فراپایبندی رو به وخامت نهاده‌اند، منجر به بروز این حقیقت می‌شوند که کشورها توانایی خرید تجهیزات پزشکی لازم یا لوازم جانبی آن را از دست می‌دهند، نخست به این دلیل که احتمال دارد آن کشور درآمد لازم جهت خرید این تجهیزات را از دست بدهد و دوم، به این خاطر که کشور مزبور به دلیل امتناع بانک‌ها از نقل و انتقال‌های مالی، از مبادلات مالی باز می‌ماند.

در شرایط حاضر تمامی بانک‌های ایران در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار دارند که این بدان معنا است که تمامی طرف‌های تعامل بانک‌های ایرانی ترجیح می‌دهند که در هیچ‌گونه نقل و انتقال مالی با آن‌ها، چه بانک‌های دولتی و چه خصوصی، مشارکت نداشته باشند. حدود یک سال پیش، معضلات گسترده‌ای در رابطه با امکان خرید انسولین برای بیماران دیابتی در ایران پدید آمد و انتشار چندین گزارش در این خصوص را به خاطر دارم، مبنی بر این که بهای انسولین در بازار سیاه ده‌ها برابر شده بود، چرا که فقدان انسولین برای بیماران دیابتی به منزله مورد تهدید قرار گرفتن حیات آن‌ها بوده و طبیعتاً موجب رو به وخامت نهادن گسترده شیوه زندگی‌شان می‌شود، حتی در شرایطی که بتوانند بدون وجود انسولین و یا دریافت دزهای کمتر بقاء یابند.

همچنین برنامه نرم‌افزاری در این زمینه وجود دارد که غالباً از خارج خریداری می‌شود، اما تجهیزات مربوط به آن از فعالیت باز می‌مانند، چرا که حتی در شرایطی که آن کشور این تجهیزات را در اختیار داشته باشد، به دلیل امکان‌ناپذیری خرید نرم‌افزار آن، کارایی خود را از دست می‌دهند. معضل سوم این است که شرکت‌های حمل و نقل ترجیح می‌دهند که با یک کشور تحت تحریم تعاملی نداشته باشند و از این رو، حتی چنانچه تجهیزات و لوازم جانبی مورد نظر خریداری شوند، در اغلب موارد امکان نقل و انتقال‌شان به آن کشور وجود ندارد. این چالش شامل داروهای ضروری نیز می‌شود، هنگامی که کشورهای تولیدکننده انواع خاصی از داروها از فروش آن‌ها امتناع می‌ورزند که کمپانی سوئدی تولیدکننده پانسمان (برای بیماران پروانه‌ای) یک نمونه از آن است. در اینجا می‌توان به برخی مثال‌های دیگر در کشورهای مختلف در رابطه با نقل و انتقال انواع

داروها اشاره کرد که این اساساً بدین معنا است که دارو در اختیار مردم کشورهای تحت تحریم قرار نمی‌گیرد و در این صورت حتی ساده‌ترین نوع بیماری‌ها که به سهولت قابل درمان هستند، تبدیل به بیماری‌های تهدیدآمیز برای حیات مردم آن کشورها می‌شوند.

متأسفانه این امر در ابعاد گسترده‌تر نیز به وقوع می‌پیوندد، از جمله کشورهایی که در زمینه تهیه واکسن با مشکل مواجه هستند. در اینجا مقصود من تنها واکسن بیماری کووید - ۱۹ نیست، هر چند که برخی از کشورها از موانعی بر سر راه مبادلات بانکی به منظور پرداخت هزینه مشارکت در برنامه کووکس^۱ خبر داده‌اند و با معضلاتی در زمینه نقل و انتقال واکسن‌های کووید به کشورشان مواجهند، چرا که شرکت‌های حمل و نقل تمایلی به تعامل با آن‌ها ندارند.

کشور ونزوئلا همچنین گزارش داده است که برای خرید واکسن‌های فلج اطفال، تب زرد و برخی دیگر از بیماری‌ها با معضل گسترده‌ای مواجه است و این در حالی است که بیش از ۲.۵ میلیون تن از کودکان این کشور به مدت چندین سال واکسینه نشده‌اند. خوشبختانه باید گفت که گرچه این معضل با مداخله فعالانه برنامه توسعه سازمان ملل و صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) رفع شد، اما این‌ها نمونه‌هایی از نقض شدید حق بر سلامت را آشکارا نمایان می‌سازند.

به علاوه اگر بخواهم به تفصیل در رابطه با تأثیر بیماری کووید - ۱۹ صحبت کنم، باید اشاره کنم که به دلیل شیوع این بیماری جابه‌جایی مردم کاهش یافته و معضلاتی در زمینه ارتباط مستقیم میان آن‌ها پدید آمده است. به عنوان مثال، می‌توانم از مواردی صحبت کنم که اعمال تحریم موجب کاهش امکان استفاده از پلت‌فورم‌های مجازی جهت دریافت مداوای از راه دور در کشورهایی شده است که دسترسی به کمک‌های پزشکی به سهولت در آن‌ها انجام نمی‌پذیرد. در کشورهایی که معضلاتی در زمینه دسترسی به بیمارستان وجود دارد، مداوای از راه دور می‌تواند حیات‌بخش باشد، اما امکان‌پذیر نیست، بنابراین مردم چاره دیگری ندارند، نه می‌توانند به بیمارستان دسترسی پیدا کنند و نه از توصیه‌های

متأسفانه تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه بر مردمی که از نزدیک با این معضل دست و پنجه نرم نمی‌کنند چندان آشکار نیست، از این رو نشان دادن نمونه‌های منفرد از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل است که من توجه زیادی را به ارتباطات فردی در این زمینه معطوف داشته‌ام، مانند موردی که شما درباره احتمال خرید پانسمن‌ها به آن اشاره کردید که برای تداوم حیات کودکان پروانه‌ای و افراد مبتلا به این نوع از بیماری‌های ژنتیکی ضروری است

پزشکی در فضای مجازی برخوردار شوند.

به عنوان مثال، معضلاتی نیز در زمینه دسترسی به پاب‌مد - پایگاه داده‌های پزشکی تخصصی جهت به اشتراک گذاردن نظرات در زمینه درمان بیماری‌های مختلف^۲ - مجدداً به دلیل اعمال تحریم وجود دارد. همچنین می‌توان به معضلات موجود بر سر راه استفاده از سایر پلت‌فورم‌ها به منظور مباحثه در زمینه ساز و کارهای درمان بیمارهای خاص اشاره کرد که تمامی این‌ها به شدت بر حق بر سلامت تأثیر گذار است، به ویژه حقوق آسیب‌پذیرترین افراد، به عنوان مثال افراد مبتلا به معلولیت، یا مبتلا به بیماری‌های شدید و مزمن، افراد مبتلا به بیماری‌های ژنتیکی، افراد نیازمند پیوند اعضا، زنان باردار، نوزادان و زنان در مجموع. متأسفانه هنگامی که بحث بخش سلامت به میان می‌آید، باید به خطاها و کمبودهای متعدد اشاره کرد که به دلیل تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه به وقوع می‌پیوندند و در این میان فراپایبندی نیز منجر به مرگ شده و از این رو حق بر حیات را نقض می‌کند.

پرسش: آیا شما در مورد ایران و بحران آن در مواجهه با بیماری کووید - ۱۹، به طور خاص، از جمله در زمینه توانایی این کشور جهت واردات دستگاه‌های تنفس مصنوعی، واکسن و سایر ملزومات درمانی موانعی را شناسایی کرده‌اید که در نتیجه تحریم، از جمله امکان آن برای انجام مبادلات بانکی و همکاری با نهاد کوو کس پدید آمده باشد؟ پیش‌تر اشاره مختصری به این موضوع کردید، اما مایلیم کمی بیشتر آن را بسط دهید.

پاسخ: هنگامی که گزارش خود در زمینه تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه در زمان همه‌گیری، جهت ارائه به مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۰ میلادی را آماده می‌کردم، ایران از جمله کشورهایی بود که اقدام به مشارکتی قابل تحسین در زمینه شناسایی تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه بر وضعیت سلامت و همچنین وضعیت این کشور در زمان شیوع بیماری کووید - ۱۹ نمود.

متأسفانه با شیوع بیماری همه‌گیر کووید - ۱۹ وضعیت سلامت و دسترسی به کمک‌های پزشکی در سراسر جهان رو به وخامت نهاد و ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای تحت تحریم از جمله کشورهایی بود که به طور گسترده‌ای تأثیر پذیرفت.

چندین ماه پیش، من همچنین اقدام به ارائه بیانیه‌ای مطبوعاتی در

رابطه با این حقیقت کردم که ناکارآمدی در رفع و تعلیق تحریم در عمل، به دلیل همه‌گیری، موجب اعمال تبعیض علیه مردم کشورهای می‌شود که تحت تحریم قرار دارند. به علاوه این بیانیه در چندین بیانیه مجمع عمومی سازمان ملل و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفت.

در مورد ایران به طور خاص، در حال حاضر نمی‌توانم از تأثیر ویژه (تحریم) صحبت کنم، چرا که همچنان در حال تحقیق در این زمینه هستم - یکی از عرصه‌هایی که اکنون بر آن تمرکز دارم تلاش جهت شناسایی دسترس‌پذیری واکسن‌ها در کشورهای تحت تحریم در جریان شیوع این همه‌گیری است، بنابراین ارائه آن کمی بیشتر به طول می‌انجامد.

پرسش: ایران میزبان جامعه بزرگی از پناهندگان افغانستانی است و گزارش شده که در پی بروز خشونت در افغانستان در ماه اوت (سال ۲۰۲۱) روزانه حدود ۴ الی ۵ هزار شهروند افغانی از مرز ایران گذر کرده‌اند. مقام‌های ایران شکوه می‌کنند که تحریم‌های ایالات متحده ارائه خدمات اجتماعی و کمک‌های بشردوستانه به پناهجویان افغان در این کشور را کند کرده و سازمان‌های بین‌المللی نیز تحریم را به عنوان دلیل امکان‌ناپذیری تخصیص بودجه به این کشور جهت کمک به پناهندگان مطرح می‌کنند. آیا دغدغه مقام‌های ایران در این رابطه موجه است و این که چه اقدامی می‌توان در این زمینه، دست کم از طریق آژانس پناهندگان سازمان ملل و دیگر نهادهای این سازمان انجام داد؟

پاسخ: نخست این که، لازم است در نظر داشته باشیم که من تنها گزارشگر ویژه سازمان ملل هستم و نه کمیسر عالی حقوق بشر. کاری که می‌توانم انجام دهم این است که توجه دفتر کمیساریا را به معضلات ویژه معطوف کرده و جهت همکاری با سایر مأموریت‌داران در این حوزه کوشش کنم.

معضلی که شما به آن اشاره کردید، اساساً بسیار در ارتباط با یکی از عواملی است که پیش‌تر در خصوص آن توضیح داده شد. به اعتقاد من زمان آن فرا رسیده که نهادهای سازمان ملل مداخله فعالانه بیشتری را در این زمینه در پیش بگیرند و مشارکت در رفع معضل تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه بر مهاجرت و حقوق پناهجویان یکی از مهمترین این موارد است.

من مکرراً تمایل وافر خود را جهت همکاری با کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل و سازمان بین‌المللی مهاجرت بیان کرده‌ام. ما چندین بار نیز در این رابطه گفتگو کرده‌ایم، اما معتقدم که هنوز گام‌های نخست را در راه طولانی پیش رو برداشته‌ایم. بنابراین از نگاه من، نهادهای سازمان ملل و نه تنها نهادهای حقوق بشری، بلکه سایر سازمان‌ها نیز باید در راستای کنترل این وضعیت و حصول اطمینان از دسترسی مهاجران به ضمانت‌های اجتماعی و کمک‌های حقوق بشری، فعالیت نمایند، چرا که طبیعتاً درک می‌کنم که مسئولیت امروز ایران در قبال مهاجران بسیار سنگین است.

پرسش: و کمی هم در مورد موضوعی متفاوت صحبت کنیم. آیا فکر می‌کنید که نهادهای حقوقی چون، دیوان بین‌المللی دادگستری توانایی اجرای کارآمد دستورکار خود در قبال تدابیر قهری یک‌جانبه را دارند، هنگامی که دریابند که اعمال این ساختارهای تنبیهی منجر به نقض حقوق بشر شده است؟ دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۲۰۱۸ میلادی حکمی مبنی بر ضرورت اقدام ایالات متحده به فراهم آوردن امکان صدور معافیت‌هایی برای صادرات کالاهای بشردوستانه و تجهیزات هواپیمایی غیرنظامی به ایران صادر نمود، اما دولت آمریکا این حکم را نادیده گرفت. آیا رجوع به دادگاه بین‌المللی و سایر نهادهای سازمان ملل گزینه‌ای قابل اتکا به شمار می‌آید؟

پاسخ: من به عنوان یک استاد حقوق بین‌الملل، همواره بسیار موافق با استفاده از ساز و کارهای داوری بین‌المللی هستم، چرا که این اقدام امکان ارزیابی بی‌طرفانه از شرایط را فراهم می‌آورد. طبیعی است که هر یک از نهادهای قضایی در حوزه اختیارات و کارآمدی خود با محدودیت‌هایی مواجه هستند، اما بسیار مایه مسرت من خواهد بود که شاهد افزایش شمار پرونده‌هایی باشم که جهت داوری به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داده می‌شوند، از جمله در مورد ایران، در رابطه با تفسیر عهدنامه مودت با ایالات متحده، همچنین پرونده‌هایی که در رابطه با آزادی تجارت یا اعمال فرامرزی تحریم‌های یک‌جانبه، به نهاد حل و فصل مناقشات در سازمان تجارت جهانی ارجاع داده شده و پرونده‌هایی که به منظور بررسی رعایت یا عدم رعایت کنوانسیون شیکاگو^۸ به سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی ارائه شده‌اند. این‌ها



گام‌های نخست به شمار می‌آیند و امیدوارم که این روند گسترش یابد. به اعتقاد من، چنانچه کشورها در روابط با یکدیگر با معضلاتی مواجه می‌شوند، باید به جای اعمال تحریم از ساز و کارهای قضایی استفاده کنند. حقوق بین‌الملل بر اصل حل و فصل صلح‌آمیز مناقشات بین‌المللی استوار است و به همین دلیل کشورها باید تا آن جا که برایشان امکان‌پذیر است هر اقدامی را در راستای ارجاع پرونده‌ها به حکمیت بین‌المللی یا هر ساز و کار دیگر مبتنی بر حل و فصل صلح‌آمیز مناقشات انجام دهند، تا این که تصمیم به اعمال تحریم‌های یک‌جانبه بگیرند.

معتقدم هنگامی که درباره ارزیابی تأثیر بشردوستانه تحریم صحبت می‌کنیم، نباید خود را محدود به امکان استفاده از ساز و کارهای قضایی جهانی، چون دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی کیفری یا نهاد حل و فصل مناقشات در سازمان تجارت جهانی کنیم.

من بسیار مشتاق فرا رسیدن زمانی هستم که افراد خاص اقدام به ارجاع شکایت‌های فردی خود به نهادهای معاهداتی سازمان ملل کنند، چرا که در آن صورت می‌توانیم آشکارا درباره نقض منع تبعیض، نقض حقوق زنان، نقض حقوق کودکان، نقض حقوق بنیادین بشر، از جمله حقوق مدنی و به طور مثال، نقض حق بر حیات، هنگامی که داروهای حیات‌بخش در دسترس نیستند یا نقض حقوق اجتماعی و کارگری مطابق با کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صحبت کنیم.

بنابراین، من در مورد نقش نهادهای معاهداتی قضایی و حقوق بشری در راستای ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در قبال تحریم‌های یک‌جانبه و همچنین راه بازگرداندن روابط بین‌المللی به حیطة حاکمیت قانون در تمامی نقاط جهان، نگاهی خوش‌بینانه دارم.

پرسش: اما در این مورد خاص، نتیجه این شد که قضاوتی حقوقی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری انجام پذیرفت، تصمیمی سیاسی از سوی دولت ایالات متحده جهت نادیده گرفتن این حکم اتخاذ شد و این کشور همچنین اقدام به ترک معاهده مودت نمود. بنابراین در عمل، اعتبار دادگاه جهانی خدشه‌دار شد. شما در این باره چه فکر می‌کنید؟

پاسخ: متأسفانه باید بگویم که این پرسش و رای حیطة مأموریت من است. اما می‌توانم بگویم که وقوع این تحول مایه تأسف است و به همین دلیل است که همواره کشورها را تحت فشار قرار می‌دهم که موازین حقوقی را دنبال کنند و قانون را قربانی منافع سیاسی خود ننمایند. بنابراین دستیابی به مقاصد خوب یا انگیزه‌های سیاسی هیچ یک نمی‌توانند توجیهی برای عدم رعایت حقوق بین‌الملل یا نقض حقوق بشر به شمار آیند.

حقوق بشر را تنها می‌توان با ابزارهای حقوقی مورد حمایت قرار داد. در رابطه با دیوان بین‌المللی دادگستری، معتقدم که در حال حاضر تنها با یک پرونده مواجه هستیم و من بسیار امیدوارم که پرونده‌های بیشتری از این دست در اختیار داشته باشیم. چرا که چنانچه شما یک پرونده را (به مجامع بین‌المللی) ارائه دهید، به سهولت می‌توانید در این رابطه گام‌های سیاسی بردارید، اما اگر ده‌ها پرونده از این دست را در اختیار داشته باشید، به سوابق گسترده‌تری دست یافته و می‌توانید فشارها از سوی داوری بین‌المللی را نیز افزایش دهید و این آن عاملی است که وضعیت را تغییر می‌دهد.

به همین دلیل است که از کشورها درخواست می‌کنم که از ساز و کار داوری بین‌المللی استفاده نکنند. من همچنین در تلاش برای تعامل با، به عنوان مثال، نهادهای حقوق بشری ملی، همچون کمیسیون‌ها و کمیته‌ها هستم تا بدین وسیله آن‌ها را وارد گفتگو کرده، با این هدف که امکان رجوع به نهادهای معاهداتی را برای مردم تبیین کنند. معتقدم که هنگامی که تعداد پرونده‌های ارجاع شده به دادگاه‌های بین‌المللی و نهادهای معاهداتی و حجم ارتباطات انجام شده از طریق نظام حقوق بشری سازمان ملل قابل ملاحظه باشد، در این وضعیت تغییر ایجاد می‌شود.

پرسش: چه ساز و کارهای بین‌المللی جهت ممانعت به عمل آوردن از اقدام کشورهای تحریم‌کننده به اعمال تدابیر قهری یک‌جانبه بر دیگر کشورها وجود دارد؟ و مأموریت شما چگونه توانسته این ساز و کارها را تحکیم نماید؟

پاسخ: همانطور که پیش از این نیز گفتم، ما همچنان در آغاز راهیم و مأموریت ما یکی از جدیدترین مأموریت‌ها است که در سال ۲۰۱۵ میلادی ایجاد شده است. به علاوه این مأموریت نه بدون رای‌گیری بلکه مبتنی بر رای‌گیری ایجاد شده، چرا که اختلافات سیاسی میان کشورها به قدری گسترده است که کشورهایی که به طور معمول اعمال‌کننده

تحریم هستند، به نفع تشکیل چنین دستور کارهایی رأی نمی‌دهند. بنابراین آن‌ها از این عقیده حمایت می‌کنند که این مأموریت ایجاد نشود و معضلی نیز در رابطه با تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه وجود ندارد.

با این حال، می‌توانم بگویم که گزارش‌های اخیر آشکارا حاکی از آن هستند که حتی شهروندان و شرکت‌های

کشورهای اعمال‌کننده تحریم یک‌جانبه نیز به دلیل موضوع فرابیندی با تحریم اعمال شده از سوی برخی از دیگر کشورها تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. بنابراین امیدوارم که درک این کشورها از این مسئله زمانی تغییر یابد. مأموریت من به طور اسمی بنیان نهاده شد، چرا که کشورها سرانجام به این درک دست یافتند که این معضل وجود دارد، تعداد تحریم‌های یک‌جانبه در حال گسترش است و تأثیر بشردوستانه تحریم‌های یک‌جانبه نیز به شدت افزایش یافته است.

به علاوه، ابزار جدیدی چون تحریم‌های بخشی، تحریم‌های ثانویه، مجازات‌های مدنی یا کیفری برای دور زدن رژیم تحریم و فرابیندی در حال ظهور بوده و دست کم یک نفر باید مسئولیت پرداختن به این موارد را بر عهده گیرد.

متأسفانه امروز، مأموریت من تنها ابزار اختصاص یافته به این معضل و تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه است و به علاوه با معضلات گسترده‌ای چون، عدم درک کافی یا سوءبرداشت از مفهوم آن مواجه است، چرا که متأسفانه آراء عمومی و گفتمان‌های شبکه‌های اجتماعی به نحوی شکل یافته‌اند که

معتمد که هنگامی که تعداد پرونده‌های ارجاع شده به دادگاه‌های بین‌المللی و نهادهای معاهداتی و حجم ارتباطات انجام شده از طریق نظام حقوق بشری سازمان ملل قابل ملاحظه باشد، در این وضعیت تغییر ایجاد می‌شود

تلقی می‌شود، این مأموریت تنها برای تحقق مقاصد سیاسی ایجاد شده و در اغلب موارد نیز گفته می‌شود که توسط حاکمان خودکامه جهت حمایت از خودکامگان بنا نهاده شده است.

من همواره در تلاش برای تبیین این امر هستم که این مأموریت، حتی برخی مواقع بیش از سایر مأموریت‌ها، در صدد حمایت از حقوق بشر است، چرا که تعداد افرادی که تحت تأثیر اعمال تحریم‌های یک‌جانبه قرار گرفته، گسترده بوده و این دستور کار تنها برای افراد خاص تحت تحریم بنا نهاده نشده است، بلکه تمامی مردم یک کشور که در حال تحمل درد و رنج هستند را مد نظر قرار می‌دهد.

آنچه که در حال حاضر مشاهده می‌کنم این است که نهادهای سازمان ملل - البته بسیار به کندی - در حال بروز تمایل بیشتر خود به پرداختن به این معضل هستند، که از جمله می‌توانم به این موارد اشاره کنم: بیانیه‌های آغازین گزارشگران ویژه و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در زمینه درخواست جهت رفع یا تعلیق تحریم با شیوع بیماری همه‌گیر (کووید - ۱۹)، برگزاری اجلاس (موسوم به) «آریا فرمولا» - اجلاس غیر رسمی شورای امنیت سازمان ملل - در سال گذشته که بر تأثیر تدابیر قهری یک‌جانبه بر حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تمرکز نمود، اقدام کمیسر عالی حقوق بشر به مشتمل کردن بیانیه خود در رابطه با بازدید از کشورهای خاص، بر ارزیابی تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه، به عنوان مثال، در رابطه با ونزوئلا و اقدام کمیسر عالی به اختصاص دادن بیانیه آغازین خود در نشست دو سالانه به معضل فرآیندی به تحریم‌های یک‌جانبه. بنابراین بار دیگر متذکر می‌شوم و معتقدم که فرآیند حمایت از حقوق بشر در رابطه با تحریم‌های یک‌جانبه همچنان در آغاز شکل‌گیری است، ما در حال برداشتن گام‌های نخست هستیم و راه پیش روی‌مان بسیار طولانی است. اما از سوی دیگر، شاهد افزایش سطح همکاری کشورها و سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی هستیم و بر این باورم که به رغم تمامی معضلات کنونی این گفتگو به آرامی در حال آغاز شدن است.

پرسش: شما در سال‌های گذشته فعالانه در زمینه آثار منفی تدابیر قهری یک‌جانبه کوشش کردید، از کشورهای قطر، ونزوئلا و زیمبابوه بازدید به عمل آوردید و گزارش‌های تفصیلی در زمینه چالش‌های پیش روی این کشورها به شورای حقوق بشر و مجمع عمومی ارائه نمودید. فکر می‌کنید که کشورهای تحت تحریم چه اقدامی می‌توانند به صورت منفرد و جمعی انجام دهند، چنانچه اصلاً بتوانند،



تا با بهره‌گیری از ساز و کارهای حقوق بشری، آثار تدابیر قهری یک‌جانبه را رفع نموده یا کاهش دهند؟

پاسخ: فکر می‌کنم پیش‌تر درباره چندین ساز و کار توضیح دادم. همانگونه که گفتم، همکاری منطقه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است، بنابراین، در آغاز، کمک به یکدیگر در این زمینه حائز اهمیت است. دوم، بیانیه‌های سیاسی دسته جمعی هستند که نقش مهمی را ایفاء می‌کنند. سپس، باید از ساز و کارهای قضایی و ساز و کارهای نهادهای معاهداتی سازمان ملل استفاده کرد. چهارمین ساز و کار، برقراری ارتباط با نهادهای سازمان ملل، از جمله سازمان بهداشت جهانی، سازمان بین‌المللی کار، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، سازمان بین‌المللی مهاجرت و بسیاری دیگر از سازمان‌ها جهت ارائه ارزیابی‌ها در زمینه تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه است. نباید تصور کرد که کمیساریای عالی حقوق بشر و یا مأموریت من در این زمینه، تنها نهادهای فعال در رابطه با ارزیابی تحریم هستند. این معضل به موضوع دغدغه کل نظام سازمان ملل تبدیل خواهد شد، چرا که تحریم طبیعتاً هرگز تنها دلیل بروز معضلات در کشورها نیستند، بلکه لایه‌ای اساسی به مشکلات وضعیت بشردوستانه می‌افزایند. بنابراین، این

تأثیر را قطعاً باید در بخش‌های کار، سلامت، تحصیل و بسیاری دیگر از عرصه‌ها مورد ارزیابی قرار داد.

من همچنین معتقدم و در برخی از بیانیه‌های خود نیز به آن اشاره کرده‌ام که اعمال تحریم‌های یک‌جانبه به طور گسترده‌ای در حال تأثیرگذاری بر حق توسعه مردم است و از آن جا که سازمان ملل راهبری فرآیند تحقق اهداف توسعه پایدار را بر عهده دارد، بر این باورم که جهت دستیابی به این اهداف، ارزیابی تأثیر تحریم و گام‌های اتخاذ شده در راستای حذف کاربرد تحریم‌های یک‌جانبه و همچنین آثار منفی بشردوستانه باید به صورت درون سازمانی (سازمان ملل) انجام پذیرد.

از این رو، معتقدم که آشکارترین گام در این میان مداخله هر چه بیشتر نهادهای سازمان ملل در قبول مسئولیت ارزیابی و پرداختن به معضل اعمال تحریم‌های یک‌جانبه است که چنانچه تحقق یابد، مقام‌های سیاسی نهادهای سازمان ملل به ابزار کمک به تغییر رویکرد کشورها در قبال این معضل تبدیل خواهند شد.

به علاوه، چنانچه نهادهای سازمان ملل در زمینه گردآوری اطلاعات در رابطه با تأثیر واقعی تحریم کوشش بیشتری نمایند، آرا عمومی نیز در این زمینه تغییر خواهد کرد. متأسفانه تأثیر تحریم‌های یک‌جانبه بر مردمی که از نزدیک با این معضل دست و پنجه نرم نمی‌کنند چندان آشکار نیست، از این رو نشان دادن نمونه‌های منفرد از اهمیت بالایی برخوردار است. به همین دلیل است که من توجه زیادی را به ارتباطات فردی در این زمینه معطوف داشته‌ام، مانند موردی که شما درباره احتمال خرید پانسمن‌ها به آن اشاره کردید که برای تداوم حیات کودکان پروانه‌ای و افراد مبتلا به این نوع از بیماری‌های ژنتیکی ضروری است.

ساز و کار دیگری که به اعتقاد من حائز اهمیت است، انجام پژوهش‌های دقیق حقوقی و تعیین شرایط و ویژگی‌های حقوقی هر یک از انواع خاص تدابیر یک‌جانبه است و به همین دلیل است که به عنوان یک فرد دانشگاهی، از ورود نهادهای علمی به ارزیابی تحریم‌های یک‌جانبه از منظر حقوقی، اقتصادی و سیاسی بسیار استقبال می‌کنم.

من در صدد اجرا راهکاری به منظور ایجاد پلت‌فورمی موسوم به «پلت‌فورم پژوهشی تحریم» هستم تا بدین وسیله اسنادی را که پیشاپیش توسط سازمان ملل انتشار یافته، بیانیه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و همچنین اقدامات دانشگاهی انجام پذیرفته در این زمینه را در چهارچوبی منفرد گرد آورده، تا امکان پژوهش در این عرصه را سهولت بخشیده و به نوعی برخی حقایق و ارزیابی‌های حقوقی که می‌تواند هم از سوی نهادهای سازمان ملل و هم کشورها مورد استفاده قرار گیرد، را فراهم

آورم. بنابراین از این حقیقت که رویدادهای دانشگاهی و کنفرانس‌های دیپلماتیک بیشتر و بیشتری در این رابطه در یک سال و نیم گذشته برگزار شده‌اند، بسیار استقبال می‌کنم.

پرسش: در پایان این سؤال را مطرح می‌کنم که سازمان‌های مردم‌نهادی چون، سازمان دفاع از قربانیان خشونت، که به ارتقاء مباحثه و جلب حمایت پیرامون تدابیر قهری یک‌جانبه می‌پردازند، چگونه می‌توانند از مأموریت شما پشتیبانی به عمل آورده و در آن مشارکت نمایند؟

پاسخ: این پرسش خوبی است و من از همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد، به ویژه سازمان‌هایی که به حقیقت‌یابی یا انجام تحقیق در عرصه‌های خاص مرتبط با این مأموریت می‌پردازند، بسیار استقبال می‌کنم. هر سال که آغاز به آماده کردن گزارش‌های موضوعی برای شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل می‌کنم، درخواستی برای مشارکت این سازمان‌ها ارائه می‌دهم. گزارش‌های موضوعی من در سال آتی بر جایگاه تحریم‌های یک‌جانبه در جهان سایبری و معضل فراپایبندی متمرکز خواهد بود. درخواست برای مشارکت پیشاپیش در وبگاه نهاد تدابیر قهری یک‌جانبه قرار گرفته و من از مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در این رابطه بسیار استقبال می‌کنم.

حوزه دوم در این رابطه، بازدیدهای کشوری است. هنگامی که اقدام به اعلام بازدید کشوری می‌کنم، مجدداً درخواست برای مشارکت انتشار یافته و از اقدام سازمان‌های مردم‌نهاد جهت تشریح اطلاعات‌شان بسیار استقبال خواهد شد.

حیطه سوم، این است که من مکرراً اقدام به سازماندهی جلسات مشاوره‌های کارشناسی با سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور ارزیابی عرصه‌های خاص آثار تحریم‌های یک‌جانبه بر بهره‌مندی از حقوق بشر می‌کنم. مشارکت در این جلسات و تشریح دیدگاه‌ها در آن نیز امکان‌پذیر است. پیش از این در مورد ایده ایجاد یک پلت‌فورم پژوهشی در رابطه با تحریم توضیح دادم. هر گزارشی، از جمله گزارش‌های پیشاپیش انتشار یافته می‌توانند در این پلت‌فورم به اشتراک گذاشته شوند تا در دسترس افرادی که در حال تحقیق در این زمینه هستند، قرار گیرند.

و آخرین رکن بسیار حائز اهمیت در این زمینه امکان گردآوری مطالب و ارسال اطلاعات به من است تا بتوانم تصمیم بگیرم که آیا تهیه یک مکاتبه ویژه خطاب به کشورها، یا سازمان ملل یا کسب و کارها به منظور

جلب توجه آن‌ها به معضلی اعمال تحریم‌های یک‌جانبه امکان‌پذیر خواهد بود یا خیر؟ این امر دقیقاً در مورد امکان‌ناپذیری خرید پانسمان‌ها (برای کودکان پروانه‌ای) و موارد مربوط به ونزوئلا به هنگام عدم دسترسی کودکان این کشور به پیوندهای لازم به وقوع پیوست.

پرسش: آیا در آینده نزدیک احتمالاً قصد بازدید از ایران را نیز دارید؟

پاسخ: این موضوع در جریان مباحثه قرار دارد. بر اساس مقررات، من باید در سال از دو کشور بازدید به عمل آورم و طبیعتاً برنامه‌ریزی در این زمینه در مذاکره با سازمان ملل، کشورهای مورد نظر و سایر نهادها انجام می‌پذیرد. بنابراین احتمال آن منتفی نیست.

۱. overcompliance

۲. Bank PNB Paribas

۳. fear of sanctions

۴. extraterritorial application

۵. due diligence rules

۶. دسترسی جهانی به واکسن‌های کووید - ۱۹

۷. پاب‌مد یک موتور جستجوی تحت وب رایگان است که دسترسی به چندین پایگاه داده اصلی در گستره وسیعی از رشته‌های علوم پزشکی و زیست‌شناسی را فراهم می‌کند. پاب‌مد توسط کتابخانه ملی پزشکی (National Library of Medicine - NLM) وابسته به مرکز ملی اطلاعات زیست‌فناوری (National Institute of Health - NIH) ایالات متحده آمریکا نگهداری و بروزرسانی می‌شود.

۸. معاهده هوانوردی غیرنظامی بین‌المللی



ODVV

سازمان دفاع از قربانیان خشونت

تهران - خیابان فلسطین شمالی، کوچه میرسرابی پلاک ۱

صندوق پستی: ۱۴۱۵۵۵۹۵۷

تلفن: ۸۸۹۵۴۹۲۸ - ۸۸۹۶۴۹۴۳ - ۸۸۹۶۳۰۹۱

www.odvv.org

info@odvv.org

[@ngoodvv](https://www.instagram.com/ngoodvv)